

Social capital as a component of modern Islamic civilization in promoting security resilience against environmental risks; based on the Second Step Statement

Ali Reza Rajabi¹

5

Year 3
Spring 1405

Research paper

:Date received
1405/01/18
:Date accepted
1405/02/08
Pages: 11-46

Abstract

Environmental risks have become one of the emerging challenges to national security in recent decades; in such a way that phenomena such as water scarcity, climate change, and environmental degradation, if social mechanisms and governance are weak, can become a threat to social cohesion and political stability. The Islamic Republic of Iran is also exposed to this category of risks due to its geographical location and socio-cultural characteristics. The main issue of this research is what factors can prevent environmental risks from becoming securitized and increase the country's security resilience against these threats. Based on the Second Step Declaration of the Islamic Revolution, this article examines social capital as one of the components of the modern Islamic civilization and a driving factor in promoting security resilience. The research method is analytical-descriptive and based on documentary and discursive analysis of reliable domestic and foreign sources. The theoretical framework of the research is a combination of social capital literature, securitization theory, and resilience literature with an indigenous and civilization-oriented approach. The research findings show that social capital, which relies on public trust, social participation, and the strength of the nation-sovereignty relationship, plays an effective mediating role in the non-security management of environmental risks and prevents them from turning into security crises. The innovation of the research lies in presenting a conceptual model that considers security resilience not simply the product of hard tools, but also the result of strengthening social capital within the framework of the modern Islamic civilization.

Keywords: Social capital; Security resilience; Environmental risks; Modern Islamic civilization; Manifesto of the Second Step of the Revolution.

1. PhD in Educational Management, Researcher in the Field of Training, Education and Organizational Culture, Tehran, Iran. ✉Rajabia @yahoo.com

رأس المال الاجتماعي كمكون من مكونات الحضارة الإسلامية الحديثة في تعزيز القدرة على الصمود الأمني في مواجهة المخاطر البيئية؛ بناءً على بيان الخطوة الثانية

على رضا رجبى^١

٥

رابعة وخمسة

الربيع ١٤٠٥

ورقة بحثية

تاريخ الاستلام:

١٤٠٥/٠١/١٨

تاريخ القبول:

١٤٠٥/٠٢/٠٨

الصفحات: ٤٦-١١

ملخص

في العقود الأخيرة، أصبحت المخاطر البيئية من التحديات الناشئة التي تواجه الأمن القومي للدول؛ إذ إن ظواهر مثل ندرة المياه، وتغير المناخ، وتدهور البيئة، إذا كانت الآليات الاجتماعية والحوكمة ضعيفة، قد تشكل تهديداً للتماسك الاجتماعي والاستقرار السياسي. وتعرض الجمهورية الإسلامية الإيرانية أيضاً لهذا النوع من المخاطر نظراً لموقعها الجغرافي وخصائصها الاجتماعية والثقافية. وتمثل القضية الرئيسية لهذا البحث في تحديد العوامل التي يمكن أن تمنع تحول المخاطر البيئية إلى مخاطر أمنية، وتعزيز قدرة البلاد على الصمود الأمني في وجه هذه التهديدات. يستند هذا المقال إلى بيان المرحلة الثانية من الثورة الإسلامية، وفي إطار فكر الإمام الخامني (رحمه الله). تتناول هذه الدراسة رأس المال الاجتماعي باعتباره أحد مكونات الحضارة الإسلامية الحديثة وعاملاً محورياً في تعزيز القدرة على الصمود الأمني. وتعتمد الدراسة على المنهج التحليلي الوصفي، مستندة إلى تحليل الوثائق والخطابات من مصادر محلية وأجنبية موثوقة. أما الإطار النظري للدراسة، فيجمع بين أدبيات رأس المال الاجتماعي، ونظرية التأسيس الأمني، وأدبيات القدرة على الصمود، مع مراعاة المنظور المحلي والحضاري. وتُظهر نتائج البحث أن رأس المال الاجتماعي، الذي يقوم على ثقة الجمهور، والمشاركة المجتمعية، وقوة العلاقة بين الدولة والسيادة، يؤدي دوراً وسيطاً فعالاً في إدارة المخاطر البيئية غير الأمنية، ويحول دون تحولها إلى أزمات أمنية، تكمن حداثتها هذا البحث في تقديم نموذج مفاهيمي لا ينظر إلى المرونة الأمنية كمجرد نتاج للأدوات المادية، بل كنتيجة لتعزيز رأس المال الاجتماعي في إطار الحضارة الإسلامية المعاصرة.

الكلمات المفتاحية: رأس المال الاجتماعي؛ المخاطر البيئية؛ المرونة الأمنية؛ الحضارة الإسلامية المعاصرة؛ إعلان الخطوة الثانية من الثورة.

^١ . حاصل على درجة الدكتوراه في الإدارة التربوية، باحث في مجال التعليم والتدريب والثقافة التنظيمية، طهران، إيران.

سرمایه اجتماعی به عنوان مؤلفه تمدن نوین اسلامی در ارتقاء تاب آوری امنیتی در برابر مخاطرات محیطی؛ با ابتدا بر بیانیه گام دوم

علیرضا رجبی^۱

چکیده

مخاطرات محیطی در دهه های اخیر به یکی از چالش های نوظهور امنیت ملی کشورها تبدیل شده اند؛ به گونه ای که پدیده هایی نظیر کم آبی، تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست، در صورت ضعف سازوکارهای اجتماعی و حکمرانی، می توانند به تهدیدی برای انسجام اجتماعی و ثبات سیاسی بدل شوند. جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی و ویژگی های اجتماعی- فرهنگی، در معرض این دسته از مخاطرات قرار دارد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که چه عواملی می توانند از امنیتی شدن مخاطرات محیطی جلوگیری کرده و تاب آوری امنیتی کشور را در برابر این تهدیدات افزایش دهند. این مقاله با ابتدا بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و در چارچوب اندیشه امام خامنه ای (مدظله العالی)، سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از مؤلفه های تمدن نوین اسلامی و عامل پیشران ارتقاء تاب آوری امنیتی مورد بررسی قرار می دهد. روش پژوهش، تحلیلی- توصیفی و مبتنی بر تحلیل اسنادی و گفتمانی منابع معتبر داخلی و خارجی است. چارچوب نظری تحقیق، تلفیقی از ادبیات سرمایه اجتماعی، نظریه امنیتی شدن و ادبیات تاب آوری با رویکردی بومی و تمدن محور است. یافته های پژوهش نشان می دهد که سرمایه اجتماعی متکی بر اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی و استحکام رابطه ملت- حاکمیت، نقش میانجی مؤثری در مدیریت غیرامنیتی مخاطرات محیطی ایفا کرده و مانع از تبدیل آن ها به بحران های امنیتی می شود. نوآوری پژوهش در ارائه الگویی مفهومی است که تاب آوری امنیتی را نه صرفاً محصول ابزارهای سخت، بلکه حاصل تقویت سرمایه اجتماعی در چارچوب تمدن نوین اسلامی می داند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی؛ مخاطرات محیطی؛ تاب آوری امنیتی؛ تمدن نوین اسلامی؛ بیانیه گام دوم انقلاب.

۵

سال سوم
پیاپی

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۲/۰۸

صص: ۱۱-۴۶

۱. دکتری مدیریت آموزشی، پژوهشگر حوزه تربیت، آموزش و فرهنگ سازمانی، تهران، ایران. ۵۹ Rajabia

@yahoo.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

در دهه‌های اخیر، مخاطرات محیطی به‌عنوان یکی از چالش‌های پیچیده و درهم‌تنیده، ابعاد نوینی از تهدیدات را برای جوامع معاصر ایجاد کرده‌اند. پدیده‌هایی نظیر کم‌آبی، فرسایش خاک، ریزگردها، آلودگی‌های زیست‌محیطی و پیامدهای تغییر اقلیم، دیگر صرفاً به‌عنوان مسائل فنی یا زیست‌محیطی تلقی نمی‌شوند، بلکه به‌تدریج با اثرگذاری بر زیست اجتماعی، معیشت عمومی و کیفیت حکمرانی، واجد ظرفیت تبدیل شدن به بحران‌های اجتماعی و حتی تهدیدات امنیتی هستند. در چنین شرایطی، استمرار و هم‌پوشانی این مخاطرات می‌تواند موجب تضعیف احساس امنیت، افزایش نارضایتی اجتماعی و کاهش تاب‌آوری نظام سیاسی- اجتماعی در مواجهه با بحران‌ها شود.

با این حال، بخش قابل توجهی از رویکردهای غالب در مدیریت مخاطرات محیطی، همچنان مبتنی بر نگرش‌های بخشی و فنی است. تمرکز این رویکردها غالباً بر راه‌حل‌های مهندسی، اصلاح ساختارهای مدیریتی یا مداخلات اقتصادی معطوف بوده و کمتر به ابعاد اجتماعی و نرم بحران‌ها توجه شده است. نتیجه چنین نگرشی، غفلت نسبی از نقش متغیرهای بنیادینی چون سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و مشارکت مردمی در موفقیت یا ناکامی سیاست‌های مدیریت مخاطرات است. این خلأ، زمینه‌ساز پدیده‌ای است که در آن، یک بحران محیطی به دلیل ضعف سرمایه اجتماعی و شکنندگی پیوند دولت- ملت، به‌سرعت به بحران اجتماعی و در نهایت به مخاطره‌ای برای امنیت ملی تبدیل می‌شود.

در این میان، اندیشه و بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) افق تحلیلی متفاوتی را پیش‌روی پژوهش‌های امنیتی و اجتماعی قرار می‌دهد. در منظومه فکری ایشان، سرمایه اجتماعی مفهومی صرفاً اجتماعی یا روان‌شناختی نیست، بلکه یکی از ارکان اصلی قدرت ملی و عنصر کلیدی در ایجاد بازدارندگی نرم و تاب‌آوری نظام اسلامی محسوب می‌شود. تأکید مکرر بر اعتماد عمومی، امید اجتماعی، مشارکت مردم و پیوند ناگسستنی ملت و حاکمیت، نشان‌دهنده آن است که مدیریت بحران‌ها -از جمله بحران‌های محیطی- بدون اتکا به سرمایه اجتماعی فعال و درون‌زا، فاقد پایداری و کارآمدی لازم خواهد بود.

این نگاه، در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به شکلی نظام‌مند و تمدنی صورت‌بندی شده است. بیانیه گام دوم، سرمایه اجتماعی را نه تنها محصول عملکرد نظام، بلکه زیرساخت اساسی برای تحقق تمدن نوین اسلامی معرفی می‌کند؛ تمدنی که در آن پیشرفت مادی، عدالت اجتماعی و اقتدار امنیتی، بر پایه ایمان، عقلانیت و مشارکت آگاهانه مردم استوار است. از این منظر، تاب‌آوری امنیتی در برابر مخاطرات محیطی، صرفاً نتیجه تمهیدات فنی یا مدیریتی نیست، بلکه بیش از هر چیز متکی بر کیفیت سرمایه اجتماعی و میزان اعتماد و همراهی جامعه با نظام حکمرانی است.

با وجود این، بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که هنوز الگوی مفهومی منسجمی که بتواند نقش سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی در ارتقاء تاب‌آوری امنیتی در مواجهه با مخاطرات محیطی تبیین کند، به‌طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که سرمایه اجتماعی، با ابتنا بر اندیشه و بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و در چارچوب بیانیه گام دوم انقلاب، چگونه و از چه مسیری می‌تواند به عنوان پیشران ارتقاء تاب‌آوری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در برابر مخاطرات محیطی ایفای نقش کند؟

۲. مبانی نظری:

۲-۱. چارچوب مفهومی پژوهش

سرمایه اجتماعی^۱، عبارت است از یک ظرفیت (جوهر اجتماعی) که هماهنگی و همکاری را در جامعه و گروه، تسهیل می‌کند. در واقع می‌توان سرمایه اجتماعی را یک مفهوم مرکب که دارای سه بعد: ساختار، محتوا و کارکرد است، تلقی نمود که ساختار اجتماعی آن، همان شبکه ارتباطات اجتماعی است و محتوای آن، عبارت از اعتماد و هنجارهای اجتماعی است و کارکرد آن نیز همان عمل متقابل اجتماعی است (حق‌شناس، ۱۳۸۴). پوتنام^۲ سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام‌های

1. Social Capital

2. Putnam

مختلف سیاسی عنوان کرده و تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد است (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۱). با این حال، در منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سرمایه اجتماعی مفهومی راهبردی و امنیت‌ساز تلقی می‌شود که مستقیماً با اقتدار درون‌زا، پایداری نظام و توان عبور جامعه از بحران‌ها پیوند خورده است. تأکید ایشان بر مؤلفه‌هایی چون اعتماد عمومی، پیوند عمیق ملت و حاکمیت، امید اجتماعی و مشارکت آگاهانه مردم، نشان‌دهنده درک تمدنی از سرمایه اجتماعی به عنوان پشتوانه اصلی قدرت ملی است (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۰؛ ۱۴۰۳). در این نگاه، سرمایه اجتماعی نه یک پیامد فرعی، بلکه یک عامل فعال در مدیریت تهدیدات تلقی می‌شود. بر همین اساس، تاب‌آوری به ظرفیت یک نظام برای بازیابی تعادل و پایداری خود پس از مواجهه با اختلالات اطلاق می‌شود. این مفهوم ناظر بر توان ایستادگی در برابر گسست‌ها و ناپیوستگی‌های سازمان‌یافته و نیز قابلیت انطباق با شرایط جدید همراه با عدم قطعیت و ریسک است. کارپنتر^۱ تاب‌آوری را ظرفیت یک سیستم زیست‌محیطی و اجتماعی برای جذب اختلال، سازماندهی مجدد و در نتیجه حفظ توابع ضروری می‌داند (کارپنتر، ۲۰۱۲). همچنین انجمن بین‌المللی طرح‌های محلی محیط زیست^۲؛ تاب‌آوری را ظرفیت و توانایی یک جامعه و مقاومت در برابر استرس، زنده ماندن، انطباق، بازگشت به عقب از یک بحران یا فاجعه تعریف می‌کند (استامپ^۳، ۲۰۱۳). مفهوم تاب‌آوری امنیتی^۴ در این پژوهش، بر ظرفیت نظام سیاسی - اجتماعی برای جذب، مدیریت و بازیابی از شوک‌ها و تهدیدات، بدون فروپاشی کارکردهای اساسی و تضعیف مشروعیت، دلالت دارد. از این‌رو، تاب‌آوری امنیتی را باید برآیند تعامل میان ظرفیت‌های نهادی و سطح سرمایه اجتماعی جامعه دانست. مخاطرات محیطی^۵ در دهه‌های اخیر به عنوان یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های پیش‌روی دولت‌ها مطرح شده‌اند؛ چالش‌هایی که صرفاً به حوزه محیط زیست محدود نمی‌شوند، بلکه در بستر تعامل با ساختارهای اجتماعی و سیاسی، واجد پیامدهای امنیتی نیز هستند. پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهد که حوادثی نظیر خشکسالی، کم‌آبی، فرونشست زمین و

۱. Carpenter

۲. Local Government for Sustainability (ICLEI)

۳. Stumpp

۴. Security Resilience / National Security Resilience

۵. Environmental Hazards / Environmental Risks

آلودگی‌های گسترده، در صورت سوءمدیریت، می‌توانند به تضعیف معیشت، جابه‌جایی‌های جمعی، نارضایتی اجتماعی و در نهایت، بروز بحران‌های امنیتی منجر شوند. شناسایی حوزه جمعیت و محیط زیست با تأکید بر چگونگی سازوکار اثرگذاری ابعاد پویایی جمعیت بر مخاطرات محیطی و مسائل محیط زیستی در حوزه مدیریت مخاطرات محیطی خواهد بود (برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱، ۲۰۱۴). از این منظر، مخاطرات محیطی دارای «ظرفیت امنیتی‌شدن» هستند و نحوه مواجهه نظام حکمرانی با آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به پیامدهایشان دارد. در ادبیات مطالعات امنیتی، فرآیند امنیتی‌شدن^۲ به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن یک مسئله غیرامنیتی، از طریق گفت‌وگو میان نخبگانی و سیاست‌گذاری خاص، به مثابه تهدیدی علیه امنیت ملی بازتعریف می‌شود (بوزان، وایفر و دو ویلد^۳، ۱۹۹۸). در شرایطی که سرمایه اجتماعی تقویت شده و در چارچوب الگوی تمدن نوین اسلامی بازتولید گردد، مخاطرات محیطی می‌توانند به فرصت‌هایی برای ارتقاء همبستگی اجتماعی، اعتماد عمومی و در نهایت، افزایش تاب‌آوری امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شوند. در مقابل، تضعیف سرمایه اجتماعی، همان مخاطرات را مستعد امنیتی‌شدن و تبدیل به بحران‌های ملی خواهد کرد. در مجموع، این پژوهش با تلفیق ادبیات مطالعات امنیتی، نظریه سرمایه اجتماعی و اندیشه امام خاتمه‌ای (مدظله‌العالی)، می‌کوشد الگویی بومی برای تبیین رابطه میان مخاطرات محیطی و امنیت ملی ارائه دهد؛ الگویی که در آن تاب‌آوری امنیتی نه واکنشی کوتاه‌مدت، بلکه فرآیندی تمدن‌محور و مبتنی بر تقویت سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود.

پژوهش حاضر بر این پیش‌فرض استوار است که مخاطرات محیطی به عنوان پدیده‌هایی طبیعی یا انسان‌زاد، لزوماً به تهدیدات امنیت ملی منجر نمی‌شوند، بلکه واجد «ظرفیت امنیتی‌شدن» هستند. تحقق یا عدم تحقق این ظرفیت، به کیفیت متغیرهای اجتماعی و گفت‌وگویی حاکم بر جامعه بستگی دارد. در این چارچوب، سرمایه اجتماعی به مثابه متغیر محوری و میانجی/پیشران، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به پیامدهای امنیتی مخاطرات محیطی ایفا می‌کند. سرمایه اجتماعی،

۱. United Nations Development Programme (UNDP)

۲. Securization

۳. Buzan, Wæver & de Wilde

شامل مؤلفه‌هایی همچون اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی، همبستگی ملی و استحکام رابطه ملت - حاکمیت، صرفاً یک متغیر اجتماعی خنثی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان یکی از ارکان تحقق تمدن نوین اسلامی معنا می‌یابد. این برداشت، مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که سرمایه اجتماعی را زیربنای پیشرفت، اقتدار و امنیت پایدار معرفی می‌کند. بدین‌سان، سرمایه اجتماعی، هم‌زمان دارای جایگاه تمدنی و کارکرد امنیتی است. بر این اساس، هرچه سطح سرمایه اجتماعی در جامعه بالاتر باشد، ظرفیت نظام برای مدیریت غیرامنیتی بحران‌های محیطی افزایش یافته و احتمال تبدیل این مخاطرات به تهدیدات امنیتی کاهش می‌یابد. این فرآیند، در نهایت به ارتقاء تاب‌آوری امنیتی منجر می‌شود؛ تاب‌آوری‌ای که نه تنها به معنای تحمل بحران، بلکه متضمن یادگیری جمعی، بازبایی کارکردها و حفظ مشروعیت نظام سیاسی است. در مقابل، تضعیف سرمایه اجتماعی می‌تواند همان مخاطرات محیطی را به زمینه‌ای برای نارضایتی، واگرایی اجتماعی و امنیتی شدن بحران‌ها تبدیل کند. امنیت ملی پایدار جمهوری اسلامی ایران، بیش از آنکه متکی بر ابزارهای سخت باشد، محصول تقویت سرمایه اجتماعی تمدن‌ساز و تحقق الگوی تمدن نوین اسلامی در مواجهه فعال و مردمی با مخاطرات محیطی است. از این منظر، تاب‌آوری امنیتی نه یک وضعیت مقطعی، بلکه فرآیندی تمدن‌محور، اجتماعی و راهبردی تلقی می‌شود.

۲-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با مخاطرات محیطی در ادبیات علمی، در ابتدا عمدتاً بر ابعاد فیزیکی و زیست‌محیطی این پدیده‌ها متمرکز بوده‌اند؛ اما از دهه‌های پایانی قرن بیستم، رویکردهای میان‌رشته‌ای به تدریج بر پیامدهای اجتماعی و امنیتی مخاطرات محیطی تأکید کرده‌اند. مطالعات پیشین در حوزه امنیت و تاب‌آوری در ایران، ارتباط تنگاتنگی میان سرمایه اجتماعی، عملکرد نظام‌مند و ظرفیت تطبیقی جامعه با محیط‌های پرخطر را نشان می‌دهند. این پژوهش‌ها می‌توانند بستر نظری و تجربی لازم برای تدوین چارچوب مفهومی کنونی (ترکیب تاب‌آوری، سرمایه اجتماعی و مخاطرات محیطی) را فراهم سازند. تقی‌لو (۱۳۸۵) استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی به‌عنوان زیربنایی برای همکاری، اعتماد و مشارکت فعال، نقش حیاتی در تحقق امنیت اجتماعی دارد و از کنش‌های ضد هنجار پیشگیری می‌کند. این دیدگاه با یافته‌های سیف‌الدینی و همکاران (۱۳۹۲) همسو است؛ آن‌ها در مطالعه موردی کوه‌دشت نشان دادند که اعتماد عمومی و

رسمی و مشارکت اجتماعی، همبستگی معناداری با احساس امنیت دارد. نادری و همکاران (۱۳۸۹) در اردیبل نیز تأکید کردند که هرچه شاخص‌های سرمایه اجتماعی، به‌ویژه اعتماد، قوی‌تر باشند، احساس امنیت اجتماعی جوانان افزایش می‌یابد. در ابعاد کاربردی‌تر، بیدختی و شریفی (۱۳۹۵) اثبات کردند که دینداری به‌طور مثبت بر سرمایه اجتماعی تأثیر گذاشته و این سرمایه اجتماعی به‌طور معناداری جوانان (دانشجویان) را به عضویت در گروه‌های امداد و نجات داوطلبانه برای تأمین امنیت مناطق آسیب‌دیده ترغیب می‌کند (ضریب ۰.۶۵). این پژوهش نشان‌دهنده نقش سرمایه اجتماعی در آمادگی واکنش جمعی است که یکی از ارکان کلیدی تاب‌آوری محسوب می‌شود. رهامی (۱۳۹۶) نیز با تأکید بر مفهوم امنیت انسانی، سرمایه اجتماعی را در هفت بعد امنیت (از جمله امنیت فردی و اجتماعی) به عنوان یک عامل پیونددهنده و فعال معرفی می‌نماید. اخیراً، فلاحی و هزارجریبی (۱۴۰۳) نشان دادند که سرمایه اجتماعی پلیس (به عنوان بخشی از نهادی) اثر قوی‌تری بر احساس امنیت اجتماعی نسبت به سرمایه اجتماعی نهادی کلان دارد، که لزوم توجه به سرمایه‌های نهادی مرتبط با مدیریت بحران را برجسته می‌سازد. فرهمندی، باغبانی و شکاری (۱۴۰۴) با ارائه مدل مفهومی تاب‌آوری ج.ا.ایران در چهارچوب پدافند غیرعامل، تأکید کردند که تاب‌آوری بر ابعاد فیزیکی، سازمانی و همکاری متمرکز بوده و شامل ویژگی‌هایی چون جذب اختلال، بازیابی سریع و سازگاری است. این مدل نشان می‌دهد که تاب‌آوری فراتر از صرفاً مقاومت فیزیکی است و نیازمند تحول سازمانی است. در حوزه مخاطرات محیطی، اخوان کاظمی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که تغییرات آب و هوایی به عنوان یک تهدید زیست‌محیطی، بر همگرایی ملی و صلح و امنیت بین‌الملل تأثیرگذار بوده و منشأ منازعات جدید خواهد بود. این امر ریسک‌های امنیتی را از سطح نظامی به سطح محیطی گسترش می‌دهد. در همین راستا، درویشی (۱۴۰۳) در خراسان جنوبی نشان داد که بحران آب پیامدهای امنیتی-انتظامی جدی دارد، به نحوی که عوامل امنیت اجتماعی و سیاسی (مانند حکمرانی ضعیف و تبعیض در تخصیص آب) مؤثرترین چالش‌ها در مدیریت بحران آب هستند و منجر به تنش‌های محلی می‌شوند. این مطالعه لزوم یک رویکرد حکمرانی بهینه برای مدیریت تاب‌آوری در برابر بحران‌های منابع آب را تأیید می‌کند. منوریان و همکاران (۱۳۹۷) به‌طور خاص به رابطه بین سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری اجتماعی در محلات آسیب‌پذیر پرداخته و مشخص کردند که عواملی نظیر آگاهی، همبستگی

اجتماعی، مشارکت و سرمایه اجتماعی، نقش کلیدی در ارتقای ظرفیت تاب‌آوری محلات در مواجهه با حوادث طبیعی دارند. همچنین، آقایی و رحیم زاده (۱۴۰۰) در سطح بین‌المللی، معضلاتی نظیر فقر، تروریسم و رقابت بر سر منابع (مانند آب) را تهدیدات جدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانستند که نیازمند افزایش «صبر و تحمل» کشورها از طریق دیپلماسی است؛ این «تحمل و سازگاری» در سطح کلان، معادل تاب‌آوری جامعه‌محور است. جدول شماره ۱، ضمن ارائه دسته‌بندی پژوهش‌های پیشین، یافته‌ها و نتایج آن‌ها را تبیین کرده است.

جدول ۱) دسته‌بندی عناوین، یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های پیشین

نویسندگان سال	عنوان مقاله	اهداف	یافته‌ها و نتایج
فرهمنندی، باغبانی، و شکاری (۱۴۰۴)	مدل مفهومی تاب‌آوری ج.ا.ایران در چهارچوب پدافند غیرعامل	ارائه مدل مفهومی جامع تاب‌آوری در چهارچوب پدافند غیرعامل و تحلیل نقش آن در تأمین امنیت ملی	تاب‌آوری در سه سطح پروژه، سیستم و جامعه (کلان) مورد بررسی است و شامل ابعاد فیزیکی، شخصی، سازمانی و همکاری است. ویژگی‌های کلیدی: آمادگی، جذب اختلال، بازیابی سریع، سازگاری، کسب تجربه و پاسخ‌های جمعی مؤثر.
فلاحی و هزارجریبی (۱۴۰۳)	اثر سرمایه اجتماعی نهادی بر احساس امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر	شناخت سطح اثرگذاری سرمایه اجتماعی نهادی و کلان بر احساس امنیت اجتماعی با	سرمایه اجتماعی نهادی بر سرمایه اجتماعی پلیس و احساس امنیت تأثیر معنادار دارد؛ اما سرمایه اجتماعی پلیس بر احساس امنیت اثر

نویسندگان سال	عنوان مقاله	اهداف	یافته‌ها و نتایج
	سرمایه اجتماعی پلیس	کنترل سرمایه اجتماعی پلیس	قوی‌تری دارد.
آقای و رحیم زاده (۱۴۰۰)	کارکرد صلح و امنیت بین‌المللی در سایه عوامل تهدیدآفرین در عرصه نظام جهانی	بررسی تحول در مفهوم تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی در دهکده جهانی و راه حل‌هایی برای افزایش صبر و تحمل کشورها از طریق گفتگو و دیپلماسی	در سطح بین‌المللی، معضلاتی نظیر فقر، تروریسم و رقابت بر سر منابع (مانند آب)، تهدیدات جدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی است که نیازمند افزایش «صبر و تحمل» کشورها از طریق دیپلماسی است؛ این «تحمل و سازگاری» در سطح کلان، معادل تاب‌آوری جامعه‌محور است.
منوریان و همکاران (۱۳۹۷)	شناسایی مولفه‌های اثرگذار بر افزایش تاب‌آوری اجتماعی محلات آسیب‌پذیر و دارای بافت فرسوده در مواجهه با حوادث طبیعی (شهر موردی: تهران)	شناسایی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اجتماعی در محلات آسیب‌پذیر و دارای بافت فرسوده	مولفه‌های شناسایی شده: امنیت اجتماعی، آگاهی و دانش، تعلق و همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، باورها و اعتقادات دینی، حمایت اجتماعی. سرمایه اجتماعی

نویسندگان سال	عنوان مقاله	اهداف	یافته‌ها و نتایج
			نقش کلیدی در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی دارد.
رهامی (۱۳۹۶)	امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی (شاخص‌های پیونددهنده)	بررسی رابطه میان امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی و روانی	امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی در هفت بعد (اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، فردی، اجتماعی، سیاسی) متقابل و مکمل هستند. رابطه فعال و بی‌تردید در حوزه‌هایی مانند امنیت اجتماعی، سلامت روانی، مشارکت، امنیت فردی و امنیت سیاسی قابل مشاهده است.
سیف‌الدینی و همکاران (۱۳۹۲)	سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس امنیت (مطالعه موردی: شهرستان کوه‌دشت)	بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در چارچوب دیدگاه‌های موجود	اعتماد عمومی، اعتماد رسمی و مشارکت عمومی با احساس امنیت همبستگی معنادار دارند؛ مشارکت رسمی ارتباط معناداری نداشته است.
نادری و همکاران (۱۳۸۹)	بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی شهر اردبیل)	بررسی رابطه بین احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در چهار مولفه اصلی (اعتماد، روابط، مشارکت، انسجام)	هر چه سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، احساس امنیت اجتماعی نیز بیشتر می‌شود. اعتماد اجتماعی بیشترین همبستگی را با احساس امنیت دارد.

نویسندگان سال	عنوان مقاله	اهداف	یافته‌ها و نتایج
تقی‌لو (۱۳۸۵)	بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی	بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در جامعه	سرمایه اجتماعی با احساس امنیت ارتباط معنادار دارد و از طریق اعتماد، مشارکت و همبستگی، به ارتقای امنیت اجتماعی کمک می‌کند.
بیدختی، و شریفی (۱۳۹۵)	دینداری و سرمایه اجتماعی محرک عضویت جوانان در گروه‌های امدادی برای برقراری امنیت ساکنان مناطق آسیب‌دیده	شناسایی عوامل مؤثر بر امنیت مناطق آسیب‌دیده با تمرکز بر عضویت دانشجویان در گروه‌های داوطلبانه امداد و نجات	دینداری با ضریب ۰.۶۹ بر سرمایه اجتماعی و ۰.۵۲ بر امنیت مناطق آسیب‌دیده تأثیر مثبت و معنادار دارد؛ سرمایه اجتماعی نیز با ضریب ۰.۶۵ می‌تواند جوانان را به عضویت در گروه‌های امدادی ترغیب کند.

مطالعات پیشین به‌خوبی رابطه مثبت سرمایه اجتماعی با امنیت و لزوم تقویت آن را در مواجهه با بحران‌های مختلف نشان داده‌اند. با این حال، پژوهش حاضر با تمرکز بر تاب‌آوری (در مقابل صرفاً امنیت) در بستر مخاطرات محیطی و تلفیق آن با بیانیه گام دوم انقلاب، شکافی را پر می‌کند و به دنبال تبیین سازوکار دقیق تأثیرگذاری این متغیرها بر ارتقاء ظرفیت‌های پایدار کشور است. بر این اساس، می‌توان گفت خلأ اصلی پژوهش‌های پیشین، فقدان یک چارچوب تحلیلی بومی و تمدن‌محور است که در آن سرمایه اجتماعی، به عنوان مؤلفه‌ای از تمدن نوین اسلامی، نقش میانجی میان مخاطرات محیطی و تاب‌آوری امنیتی را ایفا کند. پژوهش حاضر می‌کوشد با تلفیق ادبیات مطالعات امنیتی، نظریه سرمایه اجتماعی و اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، این خلأ را پوشش داده و الگویی مفهومی برای ارتقاء تاب‌آوری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با مخاطرات محیطی ارائه دهد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از حیث هدف، در زمره تحقیقات توسعه‌ای-کاربردی قرار می‌گیرد؛ زیرا ضمن تبیین مفهومی مسئله تاب‌آوری امنیتی در برابر مخاطرات محیطی، در پی ارائه چارچوبی بومی و قابل بهره‌برداری در سیاست‌گذاری امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. از نظر ماهیت و رویکرد، پژوهش حاضر کیفی، متن‌محور و مبتنی بر رهیافت تمدنی-گفتمانی است که می‌کوشد با فاصله‌گیری از الگوهای صرفاً اثبات‌گرایانه، به فهم عمیق مناسبات میان سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری امنیتی و مخاطرات محیطی در چارچوب اندیشه اسلامی-انقلابی دست یابد.

روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر تحلیل اسنادی و تحلیل گفتمان است. بدین منظور، داده‌های پژوهش از طریق مرور هدفمند و نظام‌مند منابع معتبر شامل بیانات، پیام‌ها و اسناد رسمی صادره از سوی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌ویژه «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، و همچنین آثار نظری منتخب در حوزه سرمایه اجتماعی، امنیت ملی، تاب‌آوری و مخاطرات محیطی (داخلی و خارجی) گردآوری شده است. معیار انتخاب متون، ارتباط مستقیم آن‌ها با مؤلفه‌های مدل مفهومی پژوهش بوده است. در مرحله تحلیل داده‌ها، از تحلیل مضمون^۱ با رویکردی تفسیری-بومی استفاده شده است. فرآیند تحلیل شامل قرائت چندباره متون، کدگذاری اولیه مفاهیم مرتبط با سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری امنیتی و مخاطرات محیطی، استخراج مضامین پایه، سازمان‌دهی آن‌ها در قالب مضامین سازمان‌دهنده و در نهایت، صورت‌بندی مضامین کلان در چارچوب گفتمان تمدن نوین اسلامی بوده است.

در این فرآیند، سرمایه اجتماعی به‌عنوان مقوله‌ای میانجی و تمدن‌ساز، محور اتصال میان ساحت محیط‌زیستی و ساحت امنیتی تلقی شده است. به‌منظور اعتباربخشی یافته‌ها، از راهبرد انسجام مفهومی، تطبیق یافته‌ها با ادبیات نظری معتبر و هم‌خوان‌سازی نتایج با دلالت‌های صریح بیانیه گام دوم انقلاب استفاده شده است. همچنین تلاش شده است با پرهیز از تفسیرهای تجویزی و فردمحور، تحلیل‌ها در سطح الگوهای کلان تمدنی و اجتماعی ارائه شود. خروجی نهایی پژوهش، مدلی مفهومی است که می‌تواند به‌عنوان مبنای گفتمان‌سازی و سیاست‌گذاری در حوزه امنیت ملی و مدیریت مخاطرات محیطی مورد استفاده قرار گیرد.

۱. Thematic Analysis

۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش حاصل تحلیل مضمون متن محور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تمرکز بر دلالت‌های تمدنی، اجتماعی و امنیتی آن در مواجهه با مخاطرات محیطی است. با توجه به روش تحقیق کیفی و رویکرد گفتمانی-تمدنی، «یافته‌ها» در این مقاله به معنای استخراج الگوها، مؤلفه‌ها و سازوکارهای مفهومی است که از متن مرجع (بیانیه گام دوم) به دست آمده و قابلیت تبیین رابطه میان سرمایه اجتماعی، تاب‌آوری امنیتی و امنیت ملی را دارد. بر این اساس، مسیر تحلیل یافته‌ها در پنج گام سامان یافته است:

گام نخست به تبیین جایگاه تمدنی سرمایه اجتماعی در منطق بیانیه گام دوم می‌پردازد؛ گام دوم، نقش مردم‌پایه بودن امنیت در مدیریت مخاطرات محیطی را برجسته می‌سازد؛ گام سوم، پیوند عدالت، پیشرفت و تاب‌آوری امنیتی را واکاوی می‌کند؛ گام چهارم، امید اجتماعی را به مثابه مؤلفه‌ای از امنیت نرم مورد تحلیل قرار می‌دهد؛ و نهایتاً در گام پنجم، نقش جوانان به عنوان کنشگران اصلی تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی در مواجهه با مخاطرات محیطی بررسی می‌شود. این گام‌ها در مجموع، معماری مفهومی مدل نهایی پژوهش را تشکیل می‌دهند.

۴-۱. سرمایه اجتماعی به عنوان زیرساخت تمدن نوین اسلامی در منطق بیانیه گام دوم انقلاب
تحلیل دقیق متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که مقام معظم رهبری، در ترسیم افق «تمدن نوین اسلامی»، بیش و پیش از هر چیز بر قدرت اجتماعی درون‌زا تأکید دارند؛ قدرتی که ریشه در ایمان، اعتماد، پیوندهای اجتماعی و مشارکت آگاهانه مردم دارد. در این بیانیه، انقلاب اسلامی نه صرفاً به عنوان یک تحول سیاسی، بلکه به مثابه یک پدیده عمیقاً اجتماعی و تمدن‌ساز معرفی می‌شود که تداوم و پویایی آن وابسته به سرمایه اجتماعی انباشته‌شده در بطن جامعه است. در بخش توصیف «دستاوردهای چهل ساله انقلاب»، تأکید بر «رشد آگاهی»، «افزایش مشارکت مردمی»، «حضور مردم در میدان‌های سخت» و «ارتباط عمیق مردم با انقلاب» نشان می‌دهد که عنصر اجتماعی، ستون فقرات قدرت جمهوری اسلامی تلقی شده است (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷). این گزاره‌ها به روشنی دلالت بر نوعی سرمایه اجتماعی هویتی و ارزشی دارند که نقش آن فراتر از کارکردهای ابزاری بوده و در سطح تمدنی تعریف می‌شود. از منظر بیانیه، تمدن نوین اسلامی بدون برخورداری از جامعه‌ای برخوردار از اعتماد متقابل، همبستگی اجتماعی و احساس مسئولیت

جمعی، اساساً قابل تحقق نیست. به همین دلیل، سرمایه اجتماعی در این گفتمان نه یک متغیر وابسته، بلکه پیشران تمدنی محسوب می‌شود. این تلقی، پیامدهای مستقیمی برای حوزه امنیت، به‌ویژه در شرایط بروز مخاطرات محیطی، به همراه دارد؛ چرا که جامعه‌ای واجد سرمایه اجتماعی بالا، توان مدیریت بحران، تحمل فشار و جلوگیری از فروپاشی امنیتی را داراست. بر این اساس، نخستین یافته پژوهش آن است که بیانیه گام دوم انقلاب، سرمایه اجتماعی را به‌منزله زیرساخت بنیادین تاب‌آوری امنیتی معرفی می‌کند؛ زیرساختی که از طریق آن، تهدیدها و مخاطرات - از جمله مخاطرات محیطی- به بحران‌های مهارناپذیر امنیتی تبدیل نمی‌شوند، بلکه در چارچوب کنش جمعی و همبستگی اجتماعی قابل مدیریت باقی می‌مانند. چارچوب دستیابی به سرمایه اجتماعی به‌عنوان زیرساخت تمدن نوین اسلامی مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب در جدول شماره ۲ تبیین شده است.

جدول ۲) دستیابی به «سرمایه اجتماعی به‌عنوان زیرساخت تمدن نوین اسلامی» (مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب)

گزاره‌های کلیدی بیانیه گام دوم	مفهوم میانی استخراج شده	مقوله تحلیلی	دلالت امنیتی- تمدنی
«انقلاب اسلامی ثمره مجاهدت و حضور مردم مؤمن و آگاه است»	نقش مردم در تداوم انقلاب	مشارکت اجتماعی	شکل‌گیری امنیت مردم‌پایه
«رشد آگاهی و بصیرت عمومی در جامعه»	آگاهی اجتماعی	اعتماد و عقلانیت جمعی	کاهش شکندگی امنیتی
«پیوند عمیق مردم با انقلاب و نظام»	همبستگی اجتماعی	انسجام هویتی	افزایش تاب‌آوری در بحران
«امکان ساخت تمدن نوین اسلامی»	نگاه فرایندی به جامعه	سرمایه اجتماعی تمدن‌ساز	پایداری امنیت در بلندمدت
«ایمان، امید و اعتماد به آینده»	سرمایه معنوی- اجتماعی	امید اجتماعی	تقویت امنیت نرم

بر اساس تحلیل مستند متن بیانیه گام دوم، سرمایه اجتماعی در منطق رهبری پایه تمدن، پیشران امنیت و شرط امکان تاب‌آوری است. این یافته، مبنای ورود به گام دوم تحلیل - یعنی تبیین مردم‌پایگی امنیت در مواجهه با مخاطرات محیطی - را فراهم می‌سازد و به‌روشنی نشان می‌دهد که امنیت در جمهوری اسلامی، پدیده‌ای اجتماعی و درون‌زا تلقی می‌شود، نه صرفاً محصول مداخله‌های سخت‌افزاری.

۴-۲. مردم‌پایه گی امنیت؛ سازوکار اجتماعی مدیریت مخاطرات محیطی در منطق بیانیه گام

دوم انقلاب

تحلیل متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که «امنیت» در دستگاه فکری مقام معظم رهبری، مفهومی دولت‌محور و صرفاً نهادی نیست، بلکه ماهیتی اجتماعی، درون‌زا و مردم‌پایه دارد. در سراسر بیانیه، تأکید بر نقش مردم در پیروزی، تداوم و پیشرفت انقلاب اسلامی، نشان‌دهنده آن است که امنیت ملی نیز بر بستر مشارکت آگاهانه و مسئولانه جامعه شکل می‌گیرد، نه صرفاً از مسیر اقتدار سخت و ابزارهای کنترلی. در بخش‌های متعددی از بیانیه، مردم به‌عنوان «صاحب انقلاب» و «کنشگر اصلی حرکت تمدنی» معرفی می‌شوند. این نگاه، دلالت روشنی دارد: امنیت زمانی پایدار و تاب‌آور خواهد بود که جامعه نه در موضع انفعال، بلکه در جایگاه فاعل امنیت قرار گیرد (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷). این تلقی، خوانشی متفاوت از امنیت را پیشنهاد می‌کند که در آن، سرمایه اجتماعی - شامل اعتماد نهادی، انسجام اجتماعی و مشارکت عمومی - نقش محوری ایفا می‌کند.

از منظر مواجهه با مخاطرات محیطی، این یافته اهمیت دوچندان می‌یابد. مخاطرات محیطی همچون کم‌آبی، آلودگی، فرسایش سرزمینی یا تغییر اقلیم، زمانی به تهدید امنیت ملی تبدیل می‌شوند که پیوند میان مردم و نهادهای تصمیم‌گیر تضعیف گردد. اما در منطق بیانیه گام دوم، حضور فعال مردم، پذیرش مسئولیت‌های جمعی و مشارکت در حل مسائل، مانع از امنیتی‌شدن این مخاطرات می‌شود و آن‌ها را در سطح «مسائل اجتماعی قابل مدیریت» نگه می‌دارد.

بدین ترتیب، دومین یافته پژوهش آن است که بیانیه گام دوم انقلاب، مردم‌پایگی امنیت را به‌مثابه سازوکار اصلی تاب‌آوری امنیتی در برابر مخاطرات محیطی معرفی می‌کند. در این چارچوب، سرمایه اجتماعی نه تنها قدرت بازدارندگی نرم تولید می‌کند، بلکه ظرفیت جامعه برای

تحمل، سازگاری و بازسازی پس از بحران‌های محیطی را نیز افزایش می‌دهد. این برداشت، به‌روشنی نشان می‌دهد که هرگونه سیاست امنیتی در حوزه محیط‌زیست، بدون تقویت سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی، با شکست مواجه خواهد بود. چارچوب دستیابی به مردم‌پایگی امنیت در مواجهه با مخاطرات محیطی مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب در جدول شماره ۳ تبیین شده است.

جدول ۳) دستیابی به «مردم‌پایگی امنیت در مواجهه با مخاطرات محیطی» (مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

گزاره‌های کلیدی بیانیه گام دوم	مفهوم میانی استخراج شده	مقوله تحلیلی	دلالتهای مدیریت مخاطرات محیطی	پیامد امنیتی
«انقلاب اسلامی متکی به حضور و اراده مردم است»	فاعلیت اجتماعی مردم	مردم‌پایگی	مشارکت در حل مسائل محیطی	کاهش احتمال بروز بحران امنیتی
«مردم در میدان‌های سخت، همواره پای انقلاب ایستاده‌اند»	سرمایه اجتماعی مقاوم	همبستگی اجتماعی	افزایش تحمل اجتماعی در بحران محیطی	ارتقاء تاب‌آوری امنیتی
«پیوند مردم و نظام، عامل اصلی پیشرفت است»	اعتماد نهادی	اعتماد اجتماعی	پذیرش سیاست‌های محیط‌زیستی دشوار	حفظ ثبات اجتماعی
«مشارکت، مسئولیت و احساس تکلیف عمومی»	مسئولیت‌پذیری جمعی	مشارکت مدنی	همکاری در حفاظت از منابع طبیعی	پیشگیری از تنازعات

محیطی				
پایداری	مدیریت	امنیت	امنیت درون‌زا	«حرکت به سوی
امنیت	غیرامنیتی	اجتماعی		آینده با تکیه بر
ملی	مخاطرات			مردم»

بر اساس تحلیل مستند بیانیه گام دوم، امنیت در جمهوری اسلامی بر بنیانی اجتماعی استوار است و مردم، عنصر کلیدی تحقق آن محسوب می‌شوند. این یافته نشان می‌دهد که در مواجهه با مخاطرات محیطی، سرمایه اجتماعی و مردم‌پایگی امنیت، حلقه واسط میان بحران محیطی و ثبات امنیتی هستند. این منطق، بستری مناسب برای ورود به گام سوم تحلیل فراهم می‌سازد؛ گامی که به بررسی پیوند عدالت، پیشرفت و تاب‌آوری امنیتی در چارچوب بیانیه گام دوم می‌پردازد.

۳-۴. پیوند عدالت، پیشرفت و تاب‌آوری امنیتی در منطق تمدن نوین اسلامی

در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، دو کلیدواژه‌ی «عدالت» و «پیشرفت» در کنار «معنویت» به عنوان سه ستون تمدن نوین اسلامی معرفی می‌شوند. مقام معظم رهبری در آغاز بیانیه تأکید می‌فرماید که انقلاب اسلامی، پس از عبور از مرحله‌ی تثبیت، اکنون در آستانه‌ی «تمدن‌سازی نوین اسلامی» قرار دارد؛ تمدنی که تحقق آن بدون پیوند درونی عدالت و پیشرفت ممکن نیست، چرا که پیشرفت فاقد عدالت، منجر به شکاف اجتماعی و سستی در بنیان‌های اعتماد عمومی می‌شود، و عدالت بدون پیشرفت نیز قادر به تأمین امنیت پایدار نخواهد بود (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷).

در همین چارچوب، عدالت به عنوان روح پیشرفت اسلامی و ضامن پایداری تمدن اسلامی شناخته می‌شود. تعبیر صریح بیانیه مبنی بر اینکه «عدالت باید در گفتار و عمل نظام به یک عادت پایدار تبدیل شود» نشانگر تقدم گفتمان عدالت بر سایر مؤلفه‌های توسعه است. از سوی دیگر، تأکید بر «جهاد علمی، اقتصادی و معنوی» به مثابه مسیر پیشرفت، درون‌مایه‌ی امنیتی مهمی دربر دارد: پیشرفت در منطق انقلاب، نه تنها افزایش تولید مادی، بلکه ارتقای قدرت اجتماعی، استقلال اقتصادی و تاب‌آوری در برابر تهدیدها را هدف قرار می‌دهد.

بر این اساس، عدالت و پیشرفت در بیانیه گام دوم، دو وجه مکمل از یک سازوکار تمدنی‌اند که کارکرد امنیتی بنیادینی دارند. عدالت، از طریق کاهش تبعیض، تقویت انسجام اعتماد و کاهش احساس محرومیت نسبی، مانع فروپاشی اجتماعی در شرایط بحرانی می‌شود؛ و پیشرفت، با افزایش ظرفیت نهادی و فناوری برای مدیریت بحران‌های محیطی، میزان تاب‌آوری ملی را ارتقا می‌دهد. بنابراین، سومین یافته پژوهش آن است که در بیانیه گام دوم، عدالت و پیشرفت، دو سازوکار تمدنی برای ساختن زیرساخت تاب‌آوری امنیتی معرفی می‌شوند. این برداشت، نشان می‌دهد که تحقق «امنیت پایدار در برابر مخاطرات محیطی» نه از مسیر ابزارهای سخت، بلکه از طریق تحقق عدالت اجتماعی و رشد متوازن مادی- معنوی جامعه اسلامی ممکن می‌شود. جدول شماره ۴ چارچوب دستیابی به پیوند عدالت، پیشرفت و تاب‌آوری امنیتی مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب را نمایش داده است.

جدول ۴) دستیابی به «پیوند عدالت، پیشرفت و تاب‌آوری امنیتی» (مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

گزاره‌های کلیدی بیانیه گام دوم	مفهوم میانی استخراج شده	مقوله تحلیلی	دلالت تمدنی	دلالت امنیتی
«عدالت باید در گفتار و عمل نظام به یک عادت پایدار تبدیل شود»	عدالت پایدار	عدالت اجتماعی	استحکام روابط اجتماعی و اعتماد	کاهش نارضایتی و تهدید نرم امنیتی
«پیشرفت همه‌جانبه کشور در گرو علم، معنویت و اخلاق است»	پیشرفت متعادل و بومی	توسعه تمدنی	افزایش ظرفیت‌های جامعه	تاب‌آوری اقتصادی- اجتماعی در بحران‌ها
«نظام اسلامی به دنبال رفاه اجتماعی همراه با معنویت است»	توازن مادی- معنوی	پیشرفت انسانی	موازنه ارزش و بهره‌وری	امنیت اخلاقی و فرهنگی
«مردمی بودن پیشرفت	پیشرفت	مشارکت	پیوند جامعه	مشروعیت

گزاره‌های کلیدی بیانیه گام دوم	مفهوم میانی استخراج شده	مقوله تحلیلی	دلالت تمدنی	دلالت امنیتی
رمز بقای انقلاب است»	مردم‌پایه	اجتماعی در توسعه	با دولت	و ثبات سیاسی
«پیشرفت بدون عدالت لغزشگاه تمدنی است»	پیوند عدالت و توسعه	عدالت‌محوری تمدن اسلامی	جلوگیری از ناابرابری ساختاری	جلوگیری از شورش‌های اجتماعی و فروپاشی امنیتی

تحلیل این بخش از بیانیه گام دوم نشان می‌دهد که عدالت منبع سرمایه اجتماعی و پیشرفت ابزار تحقق تاب‌آوری امنیتی است؛ هر دو باهم، سازوکار تمدنی تأمین امنیت پایدار را شکل می‌دهند. بی‌عدالتی موجب فرسایش اعتماد اجتماعی و تضعیف امنیت نرم می‌شود، درحالی‌که پیشرفت متوازن و اخلاق‌محور، توان نظام برای مقاومت در برابر مخاطرات محیطی را افزایش می‌دهد. این ترکیب عدالت-پیشرفت، بنیان نظری لازم برای گام چهارم را فراهم می‌سازد؛ گامی که به بررسی «امید اجتماعی به عنوان مؤلفه امنیت نرم و استمرار تاب‌آوری» اختصاص دارد.

۴-۴. امید اجتماعی؛ مؤلفه امنیت نرم و استمرار تاب‌آوری در منطق بیانیه گام دوم انقلاب

در متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، امید به عنوان یکی از کلیدی‌ترین و پرتکرارترین مفاهیم، محور تداوم انقلاب و پیشروی تمدن نوین اسلامی معرفی شده است. مقام معظم رهبری خطاب به نسل جوان تصریح می‌فرمایند: «جوانان عزیز! امید به آینده، موتور حرکت شماست، و این امید برخاسته از واقعیاتی است که در چهل سال گذشته رخ داده است» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷). این گزاره راهبردی، امید را نه صرفاً یک حالت روانی، بلکه یک نیروی اجتماعی موگد و امنیت‌ساز معرفی می‌کند. در منطق بیانیه، جامعه‌ای که امید به آینده‌ی خود را حفظ می‌کند، در برابر مخاطرات، تهدیدها و ناکامی‌ها فرو نمی‌پاشد؛ زیرا احساس معنا و امکان تغییر در آن زنده است. امید، در این گفتمان، محور پویایی سرمایه اجتماعی و روح تمدنی جمهوری اسلامی است؛

به گونه‌ای که اتکای مردم به وعده الهی و باور به توان درونی ملت، ضامن استمرار حرکت تمدن‌ساز انقلاب تلقی می‌شود. از منظر امنیتی، فقدان امید، بزرگ‌ترین تهدید نرم تمدن‌هاست؛ زیرا ناامیدی جمعی منجر به کاهش مشارکت، گسترش بی‌اعتمادی و تضعیف تاب‌آوری اجتماعی در برابر بحران‌ها می‌شود. برعکس، «امید مبتنی بر واقعیت و ایمان» که در بیانیه بر آن تأکید شده است، به منزله‌ی منشأ بازتولید تاب‌آوری امنیتی عمل می‌کند. بنابراین، حوزه امنیت در بیانیه گام دوم صرفاً به دفاع فیزیکی محدود نیست، بلکه متکی بر «امنیت روانی-معنایی» است که ریشه در امید اجتماعی دارد. همین پیوند، سبب می‌شود تا امید اجتماعی در منظومه بیانیه، علاوه بر نقش اخلاقی و فرهنگی، نقش استراتژیک در بقای امنیت ملی و تمدن نوین اسلامی ایفا کند. چارچوب دستیابی به امید اجتماعی و امنیت نرم مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب در جدول شماره ۵ تبیین شده است.

جدول ۵) دستیابی به «امید اجتماعی و امنیت نرم» (مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

گزاره‌های کلیدی بیانیه گام دوم	مفهوم میانی استخراج شده	مقوله تحلیلی	دلالت تمدنی	دلالت امنیتی- تاب‌آوری
«امید به آینده و اعتماد به توان داخلی، کلید پیشرفت است»	امید فعال‌ساز	روح تمدن‌ساز	نیروی محرکه حرکت تمدنی	افزایش تحمل و پویایی جامعه
«جوانان مؤمن و انقلابی، امید حقیقی کشورند»	نسل امیدآفرین	نقش جوانان در سرمایه اجتماعی	استمرار تمدن نوین اسلامی	بازتولید امنیت نرم
«واقع‌بینی و خوش‌بینی توأمان به آینده»	امید واقع‌محور	عقلانیت ایمانی	تقویت خودباوری ملی	کاهش اضطراب جمعی در بحران

گزاره‌های کلیدی بیانیه گام دوم	مفهوم میانی استخراج شده	مقوله تحلیلی	دلالت تمدنی	دلالت امنیتی - تاب‌آوری
«از یأس، ترس و عقب‌نشینی پرهیز کنید»	مقاومت روانی	تاب‌آوری فرهنگی	پایداری هویت جمعی	مصونیت در برابر جنگ شناختی
«با امید و اعتماد به نصرت الهی حرکت کنید»	ایمان به وعده الهی	امید معنوی	معنویت در ساخت تمدن اسلامی	امنیت معنوی و اجتماعی

تحلیل مضمون بیانیه گام دوم آشکار می‌سازد که امید اجتماعی، فقط یک فضیلت اخلاقی نیست؛ بلکه سازوکار نرم تاب‌آوری امنیتی و پیونددهنده عقلانیت، ایمان و عمل اجتماعی در تمدن نوین اسلامی است. امید، قدرت معنوی جامعه را به انرژی کنشگری اجتماعی و مقاومت تمدنی تبدیل می‌کند. در چشم‌انداز گفتمان رهبری، جامعه‌ی امیدوار همان جامعه‌ای است که در برابر مخاطرات محیطی و فشارهای بیرونی، نه تنها فرو نمی‌پاشد، بلکه با توان بازسازی و نوسازی تمدنی پاسخ می‌دهد. این گفتمان «امیدمحور» زمینه ورود به گام پنجم یافته‌ها را فراهم می‌سازد، یعنی تحلیل نقش جوانان به عنوان کنشگران تمدنی تاب‌آوری امنیتی؛ نسلی که موضوع امید است و در عین حال، حامل و بازتولیدکننده آن در فرایند ساخت تمدن اسلامی به شمار می‌رود.

۴-۵. جوانان؛ کنشگران تمدنی تاب‌آوری امنیتی در منطق بیانیه گام دوم انقلاب

در بیانیه گام دوم انقلاب، جوانان به‌عنوان «سرمایه اصلی و نیروی محرکه تمدن نوین اسلامی» معرفی شده‌اند (بندهای ۲۱، ۲۲، ۲۳). رهبر انقلاب تأکید می‌کند که «جوانان با ایمان، انقلابی و دانش‌محور، پیشران اصلی تحقق آرمان‌های تمدنی و امنیتی نظام هستند» (بند ۲۴). این تأکید نشان می‌دهد که جوانان نه تنها دریافت‌کنندگان منفعل سیاست‌ها، بلکه کنشگران فعال و سازنده در فرآیندهای تمدنی و امنیتی محسوب می‌شوند. مقام معظم رهبری تصریح می‌فرماید که «امید حقیقی کشور، جوانان مؤمن، انقلابی و پرانگیزه‌اند» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷). این تأکید، دلالت روشنی بر جایگاه جوانان در بازتولید سرمایه اجتماعی و استمرار تاب‌آوری امنیتی جمهوری اسلامی دارد.

جوانان در منظومه مفهومی پژوهش حاضر، پل ارتباطی بین سرمایه اجتماعی، مردم‌پایگی امنیت، عدالت، پیشرفت و امید اجتماعی هستند. ویژگی‌های منحصربه‌فرد جوانان (شور انقلابی، خلاقیت، دانش روز، شبکه‌های اجتماعی فشرده و انعطاف‌پذیری شناختی) آن‌ها را به سوزه‌های تمدنی تبدیل می‌کند که می‌توانند: سرمایه اجتماعی را بازتولید و گسترش دهند (از طریق شبکه‌های هم‌نسلی و فعالیت‌های داوطلبانه)، مردم‌پایگی امنیت را عینیت بخشند (با مشارکت در نهادهای محلی، بسیج مردمی و مدیریت بحران)، عدالت و پیشرفت را به‌عنوان گفتمان مسلط نسل جدید تثبیت کنند (با مطالبه‌گری و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه) و در نهایت امید اجتماعی را به‌عنوان موتور محرکه جامعه زنده نگه دارند (با روایت‌سازی مثبت و مقاومت در برابر یأس). از منظر امنیتی، جوانان سپر انعطاف‌پذیر در برابر مخاطرات محیطی هستند. آن‌ها با بهره‌گیری از فناوری و ارتباطات، آگاهی سریع، هماهنگی موثر و پاسخ جمعی را در مواقع بحران ممکن می‌سازند. این نقش، تاب‌آوری امنیتی را از سطح «دفاع منفعل» به «سازندگی فعال» ارتقا می‌دهد. در منطق بیانیه، جوانان حامل سه سرمایه هم‌زمان‌اند: سرمایه انسانی (دانش و توان)، سرمایه اجتماعی (شبکه‌سازی و مشارکت) و سرمایه معنوی (ایمان و انگیزش ارزشی). این ترکیب، جوانان را به کنشگرانی تبدیل می‌کند که قادرند جامعه را در شرایط مخاطرات پیچیده - از جمله مخاطرات محیطی - از وضعیت شکنندگی به وضعیت تاب‌آوری فعال منتقل کنند. حضور جوانان در عرصه‌های جهادی،

علمی، فناورانه و اجتماعی که در بیانیه مورد اشاره قرار گرفته است، نشان‌دهنده نقش آن‌ها در خلق راه‌حل‌های بومی برای مسائل کلان کشور است.

از منظر امنیتی، جوانان در بیانیه گام دوم نقش «خط مقدم امنیت نرم» را ایفا می‌کنند. جامعه‌ای که جوانان آن امیدوار، مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جو باشند، کمتر در معرض نفوذ جنگ شناختی، ناامیدی ساختاری و بحران‌های ثانویه ناشی از مخاطرات محیطی قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، جوانان در این گفتمان، پیونددهنده سرمایه اجتماعی با آینده امنیت ملی محسوب می‌شوند.

بنابراین، پنجمین یافته پژوهش آن است که بیانیه گام دوم انقلاب، جوانان را به عنوان کنشگران تمدنی تاب‌آوری امنیتی معرفی می‌کند؛ کنشگرانی که نقش آنان تنها در پیشبرد توسعه یا حفظ ارزش‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه در مدیریت غیرامنیتی بحران‌ها، بازسازی اجتماعی پس از مخاطرات و تضمین پایداری امنیت ملی در افق تمدنی ایفای نقش می‌کنند. چارچوب دستیابی به نقش جوانان در تاب‌آوری امنیتی تمدن نوین اسلامی مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب در جدول شماره ۳ تبیین شده است.

جدول ۶) دستیابی به «نقش جوانان در تاب‌آوری امنیتی تمدن نوین اسلامی» (مبتنی بر تحلیل مضمون بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

گزاره‌های کلیدی بیانیه گام دوم	مفهوم میانی استخراج شده	مقوله تحلیلی	دلالت تمدنی	دلالت امنیتی
«امید حقیقی کشور، جوانان مؤمن و انقلابی‌اند»	جوان به مثابه سرمایه راهبردی	نقش جوانان	استمرار تمدن نوین اسلامی	بازتولید امنیت نرم
«حرکت علمی و جهادی کشور بر دوش جوانان است»	توان علمی- عملی جوانان	سرمایه انسانی	تولید پیشرفت بومی	افزایش ظرفیت مدیریت بحران
«نسل جوان، پرچمدار تحول و نوآوری است»	نوآوری تمدنی	کنشگری خلاق	بازسازی ساخت	کاهش آسیب‌پذیری

گزاره‌های کلیدی بیانیه گام دوم	مفهوم میانی استخراج شده	مقوله تحلیلی	دلالت تمدنی	دلالت امنیتی
			اجتماعی	در بحران‌های محیطی
«اعتماد به جوانان، اعتماد به آینده است»	اعتماد نهادی به نسل جوان	سرمایه اجتماعی آینده‌محور	پیوند نسل‌ها در تمدن‌سازی	کاهش شکاف اجتماعی و امنیتی
«مسئولیت‌پذیری و حضور در میدان»	جوانان مسئول و میدانی	کنش جمعی	تحکیم مردم‌پایگی نظام	جلوگیری از امنیتی‌شدن مسائل اجتماعی

با توجه به یافته‌های جدول ۵، جوانان کنشگران تمدنی-امنیتی هستند که پنج مؤلفه پیشین (سرمایه اجتماعی، مردم‌پایگی، عدالت، پیشرفت، امید) را در یک منظومه زنده و پویا به هم پیوند می‌دهند. آن‌ها با ویژگی‌های نسل جدید (دانش، شبکه، خلاقیت، روحیه انقلابی) نه تنها دریافت‌کنندگان سیاست‌های تاب‌آوری، بلکه تولیدکنندگان فعال راه‌حل‌ها و نیروی محرکه تحقق آرمان‌های تمدنی هستند. این نقش، تاب‌آوری امنیتی را از یک «وضعیت دفاعی» به یک فرآیند سازندگی مستمر تبدیل می‌کند. به عبارت دیگر نقش جوانان در تقویت امید، مشارکت، نوآوری و مدیریت اجتماعی بحران‌ها، سنگ‌بنای تاب‌آوری امنیتی جمهوری اسلامی در برابر مخاطرات محیطی و فرامحیطی به شمار می‌رود.

۴-۶. معماری مفهومی الگوی پژوهش: سرمایه اجتماعی، تمدن نوین اسلامی و تاب‌آوری

امنیتی

۴-۶-۱. سرمایه اجتماعی، زیرساخت تمدن نوین اسلامی

سرمایه اجتماعی در بیانیه گام دوم نه به عنوان یک مفهوم انتزاعی، بلکه به مثابه زیرساخت عینی و الزام‌آور تمدن نوین اسلامی تصویر شده است. این سرمایه، متشکل از شبکه‌های اعتماد، هنجارهای همکاری و تعهدات متقابل، بستری را فراهم می‌آورد که در آن «امت اسلامی» می‌تواند در برابر مخاطرات محیطی به صورت یکپارچه و منسجم واکنش نشان دهد. در این چارچوب، سرمایه اجتماعی تنها یک «دارایی» نیست، بلکه سازه‌ای تمدنی است که هم‌بستگی اسلامی-ایرانی را در سطح خرد و کلان تقویت می‌کند.

۴-۶-۲. مردم‌پایگی امنیت، سازوکار مدیریت غیرامنیتی مخاطرات

مردم‌پایگی امنیت، سازوکاری است که از طریق آن مدیریت مخاطرات محیطی از انحصار نهادهای امنیتی-نظامی خارج شده و به بستر اجتماعی-مدنی منتقل می‌شود. این انتقال، مبتنی بر سرمایه اجتماعی است که امکان هماهنگی داوطلبانه، بسیج سریع و تقسیم کار جمعی را در مواقع بحران فراهم می‌سازد. در واقع، مردم‌پایگی، تجسم عینی سرمایه اجتماعی در عرصه امنیت است و نشان می‌دهد که امنیت در تمدن نوین اسلامی نه با «دولت محوری صرف»، بلکه با «مشارکت گسترده مردمی» تحقق می‌یابد.

۴-۶-۳. عدالت و پیشرفت، بنیان‌های ساختاری تاب‌آوری

عدالت و پیشرفت در بیانیه گام دوم به عنوان دو بال تمدن نوین اسلامی معرفی شده‌اند که در کنار هم، بنیان‌های ساختاری تاب‌آوری امنیتی را تشکیل می‌دهند. عدالت (توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع) از بروز شکاف‌های اجتماعی که می‌تواند در بحران‌ها به بی‌ثباتی بینجامد، جلوگیری می‌کند. پیشرفت (علمی، اقتصادی، فناورانه) نیز توانایی جامعه برای پیش‌بینی، تطبیق و بازیابی پس از شوک‌های محیطی را افزایش می‌دهد. این دو، در کنار هم، پایداری درون‌زا را تضمین می‌کنند.

۴-۶-۴. امید اجتماعی، موتور امنیت نرم و پایداری

امید اجتماعی، سوخت روانشناختی تاب‌آوری است. در بیانیه گام دوم، امید نه یک احساس فردی، بلکه یک سرمایه جمعی معرفی شده که جامعه را در برابر یأس، انفعال و فروپاشی روانی

ناشی از بحران‌های ممتد مقاوم می‌سازد. این امید، ریشه در باور به آینده‌ای بهتر، اعتماد به نظام و روحیه انقلابی دارد و امنیت نرم جامعه را در شرایط دشوار تضمین می‌کند. بدون امید اجتماعی، حتی قوی‌ترین زیرساخت‌های مادی نیز در برابر فشارهای محیطی دوام نمی‌آورند.

۴-۵. جوانان، کنشگران تمدنی تحقق‌بخش منظومه

جوانان، پیوند زنده و پویا بین همه مؤلفه‌های پیشین هستند. آن‌ها با شبکه‌های اجتماعی فشرده، سرمایه اجتماعی را بازتولید می‌کنند؛ با مشارکت در نهادهای مردمی، مردم‌پایگی امنیت را عینیت می‌بخشند؛ با مطالبه عدالت و تولید علم، پیشرفت را شتاب می‌دهند؛ و با روحیه امیدوار و انقلابی، موتور امنیت نرم را روشن نگه می‌دارند. جوانان، معماران فعال تمدن نوین اسلامی هستند که تاب‌آوری امنیتی را از یک وضعیت دفاعی به یک فرآیند سازندگی مستمر تبدیل می‌کنند.

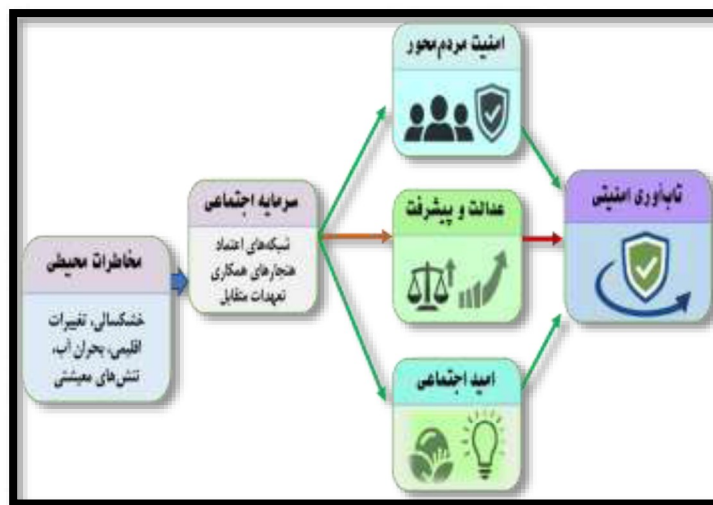
۴-۷. جمع‌بندی نهایی منظومه

منظومه یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تاب‌آوری امنیتی در برابر مخاطرات محیطی، محصول تعامل پویای پنج مؤلفه به هم پیوسته است: سرمایه اجتماعی (زیرساخت)، مردم‌پایگی (سازوکار)، عدالت و پیشرفت (بنیان ساختاری)، امید اجتماعی (موتور روانشناختی) و جوانان (نیروی محرکه). این مؤلفه‌ها در چارچوب تمدن نوین اسلامی معنا می‌یابند و در بیانیه گام دوم به صورت یک الگوی منسجم نظری-عملیاتی ارائه شده‌اند. این الگو، نه تنها پاسخ به بحران‌های محیطی، بلکه ارائه راه‌حلی تمدنی برای امنیت پایدار در جهان پرتلاطم امروز است.

براین اساس الگوی مفهومی این پژوهش از پنج لایه به هم پیوسته شامل: لایه بنیادین، تمدن نوین اسلامی (به‌عنوان چارچوب کلان ارزشی-گفتمانی)، لایه میانی، سرمایه اجتماعی (شبکه‌ها، اعتماد، هنجارهای همکاری)، لایه کارکردی، مردم‌پایگی امنیت (مشارکت مردمی در مدیریت غیرامنیتی بحران)، لایه ساختاری، عدالت و پیشرفت (توزیع عادلانه منابع و توسعه پایدار)، لایه روانشناختی، امید اجتماعی (باور جمعی به آینده بهتر) و لایه کنشگری، جوانان (نیروی محرکه و پیونددهنده همه لایه‌ها) تشکیل شده است که در یک فرآیند علی-ساختاری، تاب‌آوری امنیتی در برابر مخاطرات محیطی را تبیین می‌کند.

بر اساس چارچوب نظری حاصله، اثرگذاری مخاطرات محیطی بر امنیت، به صورت مستقیم و خطی نیست، بلکه از طریق سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر میانجی معنا می‌یابد. سرمایه اجتماعی با

فعال‌سازی مشارکت مردمی، اعتماد اجتماعی و شبکه‌های همبسته، زمینه تحقق امنیت مردم‌محور، عدالت و پیشرفت، و امید اجتماعی را فراهم می‌کند. برآیند هم‌افزای این سازه‌ها، شکل‌گیری تاب‌آوری امنیتی پایدار در مواجهه با بحران‌های محیطی است که در شکل مفهومی (۱) تبیین می‌شود.



شکل (۱) الگوی علی مخاطرات محیطی، سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری امنیتی (مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

الگوی مفهومی پژوهش تبیین می‌کند که تأثیر مخاطرات محیطی بر امنیت اجتماعی - ملی، ماهیتی صرفاً فنی یا مقطعی ندارد، بلکه در چارچوبی فرایندی و تمدنی قابل فهم است که در آن سرمایه اجتماعی نقش متغیر میانجی تعیین‌کننده را ایفا می‌کند. در این چارچوب، سرمایه اجتماعی - متشکل از مؤلفه‌هایی چون اعتماد اجتماعی، شبکه‌های تعاملی و مشارکت جمعی - سازوکاری فراهم می‌آورد که از طریق آن، فشارهای محیطی به ظرفیت‌های بازتوانی اجتماعی و امنیتی تبدیل می‌شوند. آثار میانجی‌گرا نه سرمایه اجتماعی در این الگو، در قالب سه مسیر مکمل نمود می‌یابد: نخست، امنیت مردم‌محور که منطق تأمین امنیت را از الگوی صرفاً نهادی به سمت کنش جمعی سوق می‌دهد؛ دوم، عدالت و پیشرفت که با کاهش نابرابری‌های ساختاری و ارتقای ظرفیت‌های توسعه‌ای، بنیان‌های عینی و پایدار امنیت را تقویت می‌کند؛ و سوم، امید اجتماعی که بُعد ادراکی و روانی امنیت را در شرایط بحران تثبیت می‌سازد. هم‌زمانی و هم‌افزایی این مسیرها، در نهایت به

شکل‌گیری تاب‌آوری امنیتی منجر می‌شود؛ مفهومی که در این پژوهش به‌عنوان توان جامعه برای جذب، انطباق و بازسازی کارکردی در مواجهه با مخاطرات محیطی، بدون تضعیف انسجام اجتماعی و مشروعیت نهادی، تعریف می‌گردد. بر این اساس، منطق حاکم بر مدل، امنیت را نه برآمده از کنترل صرف، بلکه محصول سازوکارهای اجتماعی مبتنی بر عدالت، مشارکت و سرمایه نمادین می‌داند؛ رویکردی که از منظر نظری با خوانش تمدنی مردم‌بنیاد از حکمرانی امنیت هم‌خوانی دارد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری نهایی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تاب‌آوری امنیتی جامعه در مواجهه با مخاطرات محیطی، بیش از آن‌که متأثر از ابزارهای صرفاً فنی یا مداخلات واکنشی باشد، از کیفیت سازوکارهای اجتماعی و نهادی برآمده از سرمایه اجتماعی متأثر است. این نتیجه با ادبیات کلاسیک و معاصر سرمایه اجتماعی هم‌راستا است؛ به‌گونه‌ای که نظریه‌پردازانی چون پاتنام، کلمن و فوکویاما، اعتماد اجتماعی، شبکه‌های تعاملی و هنجارهای مشارکتی را پیش‌شرط حکمرانی کارآمد و کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی دانسته‌اند. با این حال، نوآوری اصلی این پژوهش در آن است که سرمایه اجتماعی را نه صرفاً به‌عنوان متغیری زمینه‌ای، بلکه به‌مثابه متغیر میانجی فعال در پیوند میان مخاطرات محیطی و تاب‌آوری امنیتی صورت‌بندی می‌کند.

از منظر نظریه تاب‌آوری^۱، به‌ویژه رویکردهای اجتماعی-نهادی، تاب‌آوری زمانی محقق می‌شود که جامعه قادر به جذب شوک، انطباق نهادی و بازسازی عملکردی باشد. مدل مفهومی این پژوهش این چارچوب را بسط داده و نشان می‌دهد که این ظرفیت‌ها زمانی فعال می‌شوند که سرمایه اجتماعی در سه سطح مکمل عمل کند: نخست، در سطح کنش امنیتی از طریق مردم‌پایگی امنیت؛ دوم، در سطح ساختاری از طریق عدالت و پیشرفت به‌عنوان پایه‌های توسعه پایدار؛ و سوم، در سطح ادراکی و روانی از طریق امید اجتماعی. این سه سطح، به‌صورت هم‌افزا، همان چیزی را شکل می‌دهند که در ادبیات جدید، از آن به‌عنوان «امنیت نرم پایدار» یا «امنیت موگد» یاد می‌شود. هم‌چنین، یافته‌ها با رویکردهای انتقادی نسبت به الگوهای دولت‌محور امنیت نیز هم‌خوانی دارد. ادبیات امنیت انسانی و امنیت جامعه‌محور تأکید می‌کند که امنیتی که صرفاً بر کنترل، تمرکز

۱. Resilience Theory

نهادی و پاسخ‌های سخت‌متکی باشد، در برابر بحران‌های پیچیده و چندبعدی - مانند مخاطرات محیطی - از پایداری لازم برخوردار نیست. در مقابل، امنیتی که بر مشارکت اجتماعی، عدالت توزیعی و سرمایه نمادین استوار باشد، قابلیت بازتولید و خودترمیمی بالاتری دارد. در این چارچوب، الگوی پیشنهادی پژوهش، خوانشی بومی-تمدنی از همین رهیافت‌ها ارائه می‌دهد که با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر نقش مردم، امید اجتماعی، عدالت و پیشرفت، هم‌پوشانی نظری معناداری دارد.

بر اساس یافته‌ها و منطق حاکم بر الگوی پژوهش، چند دلالت سیاستی قابل استخراج است: انتقال تمرکز سیاست‌های امنیتی از کنترل به ظرفیت‌سازی اجتماعی؛ سیاست‌گذاران باید سرمایه اجتماعی را به عنوان زیرساخت امنیت ملی در نظر گیرند و تقویت اعتماد عمومی، مشارکت محلی و شبکه‌های همکارانه را در متن برنامه‌های مدیریت مخاطرات محیطی قرار دهند. نهادینه‌سازی مردم‌پایگی امنیت در حکمرانی بحران؛ طراحی سازوکارهای نهادی که امکان مشارکت واقعی مردم، نهادهای مدنی و اجتماعات محلی را در پیشگیری و مدیریت بحران‌های محیطی فراهم کند، می‌تواند هزینه‌های امنیتی را کاهش و پایداری تصمیمات را افزایش دهد. پیوند سیاست‌های زیست‌محیطی با عدالت و پیشرفت منطقه‌ای؛ کاهش نابرابری‌های ساختاری و توزیع عادلانه منابع، نه تنها یک هدف توسعه‌ای، بلکه پیش‌شرط تاب‌آوری امنیتی در مناطق در معرض مخاطرات محیطی است.

توجه نظام‌مند به امید اجتماعی به عنوان مؤلفه امنیت نرم؛ سیاست‌های ارتباطی، فرهنگی و رسانه‌ای در شرایط بحران باید معطوف به تقویت اعتماد، معنا و افق آینده باشند؛ زیرا فرسایش امید اجتماعی می‌تواند حتی در غیاب تهدید سخت، امنیت را تضعیف کند.

در مجموع، این پژوهش با ارائه یک مدل مفهومی یکپارچه، نشان می‌دهد که تاب‌آوری امنیتی در برابر مخاطرات محیطی، محصول برهم‌کنش سازوکارهای اجتماعی، نهادی و روانی است که هسته مرکزی آن را سرمایه اجتماعی تشکیل می‌دهد. این رویکرد، با عبور از نگاه تقلیل‌گرایانه به امنیت، چارچوبی تحلیلی برای فهم امنیت به مثابه پدیده‌ای تمدنی و مردم‌بنیاد فراهم می‌آورد و می‌تواند مبنای نظری و عملی برای بازاندیشی در سیاست‌های امنیتی و زیست‌محیطی در جوامع در حال گذار باشد.

منابع

۱. آقایی، داود و رحیم‌زاده، اصغر. (۱۴۰۰). کارکرد صلح و امنیت بین‌المللی در سایه عوامل تهدیدآفرین در عرصه نظام جهانی. فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین، ۲(۷)، ۱۵۴-۱۲۷. doi: ۲۰۲۱.۲۴۸۳۰۲/jml.۱۰.۲۲۰۳۴
۲. امیریان، سهراب. عارفی، مسلم و میره‌ای، محمد. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت شهروندان (مطالعه موردی: شهر نورآباد). مجله علمی "مدیریت سرمایه اجتماعی"، ۴(۴)، ۴۷۵-۴۹۵.
۳. امین بیدختی، علی اکبر و شریفی، نوید. (۱۳۹۵). دینداری و سرمایه اجتماعی محرک عضویت جوانان در گروه‌های امدادی برای برقراری امنیت ساکنان مناطق آسیب‌دیده. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۵(۲)، ۵۶-۴۱.
۴. الوانی، سید مهدی و سید نقوی، میرعلی. (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها. مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ۹(۳۳.۳۴)، ۹-۲۶.
۵. بحرپور، عباس. ذوالفقاری، ابوالفضل و رستگار خالد، امیر. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان کاشان). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱(۴)، ۸۹-۱۰۹.
۶. بسطامی‌نیا، امیر. رضایی، محمدرضا و سرائی، محمدحسین. (۱۳۹۵). تبیین و تحلیل مفهوم تاب‌آوری و شاخص‌ها و چارچوب‌های آن در سوانح طبیعی. دانش‌پیشگیری و مدیریت بحران، ۶(۱)، ۳۲-۴۶.
۷. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. <https://www.khamenei.ir>
۸. تقی‌لو، فرامرز. (۱۳۸۵). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۹(۳۲)، ۲۳۹-۲۵۸.
۹. حق‌شناس، معصومه. (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد آن. حدیث‌زندگی، ۲(۲۷)، ۱-۱۵.

۱۰. حیدری‌فر، دکتر محمدرئوف و پاهکیده، اقبال. (۱۳۹۷). ارزیابی عوامل ژئوپلیتیکی، تهدیدها و مخاطرات مناطق مرزی استان کرمانشاه. جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، ۸(۲۷)، ۱۶۷-۱۸۶. doi: 10.22111/gaij.2018.4096
۱۱. درویشی، فرزاد. (۱۴۰۳). آینده پژوهی پیامدهای امنیتی _ انتظامی بحران آب در استان خراسان جنوبی. فصلنامه آماد و فناوری دفاعی، ۷(۴)، ۲۱۹-۲۵۲.
۱۲. رهامی، روح اله. (۱۳۹۶). امنیت انسانی و سرمایه اجتماعی (شاخص های پیونددهنده). مدیریت سرمایه اجتماعی، ۴(۲)، ۲۲۱-SID-۲۴۳. <https://sid.ir/paper/fa/۲۶۶۹۴۲>
۱۳. سیف‌الدینی، فرانک. عیوضلو، داود. عیوضلو، محمود و ریکا، جهانبخش. (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس امنیت (مطالعه موردی: شهرستان کوهدشت). مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۱۱(۱)، ۸۹-۱۱۲.
۱۴. فرهنگدپی، شاهین. باغبانی، هادی و شکاری، محمدرضا. (۱۴۰۴). مدل مفهومی تاب‌آوری ج.ا. ایران در چهارچوب پدافند غیرعامل. فصلنامه آماد و فناوری دفاعی، ۸(۱)، ۴۱-۷۶.
۱۵. فلاحی، علی و هزارجریبی، جعفر، ۱۴۰۳، اثر سرمایه اجتماعی نهادی بر احساس امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر سرمایه اجتماعی پلیس، <https://civilica.com/doc/۲۱۶۸۷۵۷>
۱۶. منوریان، عباس، امیری، مجتبی، و مهری کلی، سیمین. (۱۳۹۷). شناسایی مولفه های اثر گذار بر افزایش میزان تاب آوری اجتماعی محلات آسیب پذیر و دارای بافت فرسوده در مواجهه با حوادث طبیعی (شهر موردی: تهران). مطالعات مدیریت شهری، ۱۰(۳۴)، ۱۳-۲۶. SID. <https://sid.ir/paper/fa/۱۹۹۲۷۰>
۱۷. نادری، حمداله، جاهد، محمدعلی، و شیرزاده، مهین دخت. (۱۳۸۹). بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی شهر اردبیل). مطالعات امنیت اجتماعی، جدید(۲۱)، ۵۹-۸۷. <https://sid.ir/paper/fa/۴۷۳۵۱۷> SID.

18. Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). Security: A New Framework for Analysis. Lynne Rienner Publishers.

19. CARPENTER, S. R., ARROW, K. J., BARRETT, S., BIGGS, R., BROCK, W. A., CRÉPIN, A.-S., ENGSTRÖM, G., FOLKE, C., HUGHES, T. P. & KAUTSKY, N. (2012). General resilience to cope with extreme

events. Sustainability, 4, 3248-3259. Retrieved from:

<http://www.mdpi.com/2071-1050/4/12/3248/htm>

20.Putnam, R. D. (1993).Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy.Princeton University Press.

21.STUMPP, E.-M. (2013). New in town? On resilience and “Resilient Cities”. Cities, 32, 164-166. Retrieved from:

<http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0264275113000048>

22.UNDP. (2014).Reducing Disaster Risk: A Challenge for Development.United Nations Development Programme.